

کمانی کفانی انانامه الی دولتیها انانامه خصام
 فیل هی الا غوطیف انانامه و هزای الی اراة مشام
 فیاجی الی یغیر قلبه علی شهوات همهم لزام
 و نه صلوک فروع خطه و ما منه عند اللتام لزام
 قناعتی اغتشی عن کل حاجیه فزاک امیر و الزمان غلام

و منها یقول

و شان التی لا یستقر بحالیه حوادث ذمه بالهن نظام
 فکسرت بصحوة و مذکة سرور و غم و حنة و سقام
 لا عوام ملک عالیة و نهاییه و ایام عزیز آخر و عظام
 و عن ارض حنة لخرها و لذات عمران عملت تمام
 فان کنت مما کانت فی شوق یزید و عندک فی سریرة و خصام
 فخر و اعبر احوا یا علی الفری ایها تعود علی فری و قیام

و بالفارسیه

ایمن عاشق از خود ای پارسا خورده اکنون کس ملامت در پیش تو دارد
 من جام عشق جانی روزی زل کشیده زان دم تو ای و هم کو مار آفتاب را
 زان روزی که ایام رسوای روزگام بپس روی تو ای که کرم کن ایمن کله را
 حنن تو علم آرا عشق تو جالت آنرا دیکه چگونه گویم یا را ای با صفا را
 مستی داده نوشی از خود نشسته ای بی پرک شرب غم خوش را

و یصف

عاشق کسوی که گویانان در شغقتی زنجیری با پیشین دیوانه
 دام اندر سینه آن بری که کز دل من کج آید که دم خیم این دیوانه

حالت عشق و جنون از عاشق دیوانه سر جان از زین شوق دلفریق سار
 آنکسارم ز اکل تویم در زیم مستی از وسایق غمناکین بیجا در
 دام ذلت را نمی کشند هر حال شاه باز اوچ کشتفا نخواستند از در

و که فی التورای

تلمه را بر دل با تویم بار سوگند تیرم انکا هر دم که می نبردیم قلمی تا نیر انکا
 ای بیایم که کسب سبب است و این کوه شامی هر که با ب و فسلون کیم قلمی غیر انکا
 او که عالمه تو سبب تباری بولدی قولاس او ز او زیدیم هم بوزیر هم کیم کیم انکا
 من از قلمی این قلمی با از این کوه سولینیا هر که کیم قلمی قلمی بیلتای غیر انکا
 فی مسلمین از تباغای فی صاحبی غیر هر که ای غیر حلقه تویم در تیرم انکا

و

جان فزیدی و دود قلمی در جانی انکا اول جهان از نایغ بر پیش تبار انکا
 اول فراغت المیده در دو عقربین بخیر من جنون کشته بولدم یاد و سر کرد انکا
 او پیکر بی یاد این سقا بیورم اول انکا بولغال الاصل انکا در حق انکا
 من او زیدیم بار دم اول انکا در حق انکا من از کوه انکا کله ای انکا
 ای غمناک بری کوب جو رجاشید انکا من از قلمی انکا کوه انکا

و

افلا تری لمانی افلا قرء فی النخب عشی افلا
 قلت مر العیش و المع انقض قال لی سه کل ما مر خلا

و

اگر آن مدد به جای بد که بشمار رسد به کلام بارفت هر دو الاره
 نوی در دلمی از قول زهر و دلمی که از دزدان کرد و ای غمناک را

King Saud University

King Saud University

Copyright © King Saud University

حالت